**درباره واژه «خوئتودت»**

**جعفری، علی اکبر**

درود

در شمارهء 5،جستار دلچسب و سودمندی از استاد روح الامینی داشتیم.در آن‏ از«خوئتودثه- xvaetvadatha »نغز سخن رفته است.تنها یادآور می‏شود که‏ این اصلاح در ستوت یسن(گات‏ها و هفت‏هات)نیامده و آنچه آمده«خوئتو- xvaetva »است و این دو اصلاح به یک معنی نیستند.

خوئتو در گات‏ها شش بار آمده‏1که پنج بار با دو اصلاح دیگر ورزنه- verezena و ائیریمن- airyaman می‏باشند.درهفت‏هات دوبار آمده‏2که یک بار با آن دو اصطلاح می‏باشند.این واژه از ریشهء خو- xva اوستایی و سو- sva سنسکرت‏ برآمده.همچنین واژه‏های خود و خویش فارسی از همین ریشه می‏باشند.آن را می‏توان‏ خودی،خودمانی،خویشاوند دانست اما در سنسکرت به معنی خودمختار و آزاده‏ است که واژهء«خدای»فارسی بدان معنی است.ورزنه از ورز که دو معنی دارد، برآمده:ورزیدن و گرداگرد گرفتن.ائیریمن آریامنش است و معنی دوست را دارد.

برخی بر آن‏اند که خوئتو خانواده و ورزنه برزن(باره،حلقه)و ائیریمن انجمن‏ دوستی می‏باشند و این سه واژه از کوچک‏ترین واحد که خانه باشد گرفته تا بزرگ‏ترین‏ واحد که کشور باشد،را در برمی‏دارند.در گزارش پهلوی این واژه‏ها به خویش، (1)-یسن 32-سرود 5-بند 1،یسن 33-سرود 6-بندهای 3 و 4،یسن 46 سرود 11-بند 1،یسن 49-سرود 14-بند 7،یسن 53-سرود 17-بند 4.

(2)-یسن 39-سرود 5-بند 5،یسن 40-سرود 6-بند 4 خویشان یا خویشی،همسایه و همسایگان و ایرمان ایرمانی(دوست و دوستی) برگردانده شده‏اند که با گفته بالا جور می‏آید و نظر به کارآیی این اصطلاح‏ها در گات‏ها و هفت‏هات،باید آن‏ها را به همین معنی گرفت،به‏ویژه این‏که در سه جای از پنج بار در گات‏ها و یک جای از دو جای هفت‏هات تأکید بر این است که با این سه واحد خوب، می‏توان واحد چهارم را که جهان باشد،آباد ساخت.

شادروان ایرج تاراپوروالا در ترجمهء گات‏ها خود از سوتو- svatu سنسکرت‏ الهام گرفته،خوئتو را خودمختار و آزاده،ورزنه را اهل حلقه و انجمن و ائیریمن را دوست گرفته و می‏گوید که این سه درجهء یاران زرتشت را می‏نمایند. نخستین گروه به اشوزرتشت بسی نزدیک شده،آزاده شده بودند،دومین گروه اندکی دور بودند و به اندازه خوئتوان دلداده نبودند و سومین گروه دوستان و همدردان بودند. من هم،مانند چند تن از اوستادانان،در نوشته‏های پیشین خود از وی پیروی کرده‏ام‏ ولی با دریافت بیشتر،معنی و مفهوم سنتی پهلوی را پذیرفته و آن سه را سه واحد بنیادی اجتماع گات‏هایی می‏دانم زیرا در گات‏ها هرکس در جای خود در کارهای خود آزاد است اما در اجتماع هنگامی سودمند و سودرسان می‏گردد که بنیاد کوچک‏ترین‏ واحد آن اجتماع را که خانه باشد،بگذارد و سپس خانه‏های همسایه واحد بزرگ‏تری، از ده گرفته تا شهر بزرگی،را پدید آورند و پس از آن هم همکاری چندین از این واحد، کشوری را بسازند و کشورهای دوست و پیشرو جهان دوستی راآباد و آبادتر گردانند. پیام گات‏ها،پیام‏آبادی و شادی جهان مینوی و مادی از راه همکاری شش‏دنگی‏ واحدهای کوچک و بزرگ مردمی است.

برخی،به‏ویژه پژوهندگان اروپایی و پیروانشان،گفته‏اند که این سه واژه‏ پیشه‏وران سه‏گانه،موبدان و سپاهیان و برزیگران،را نشان می‏دهند و تنها فرق این‏ سه اصطلاح با آثرون- atharvan ،رسئشتر- rathaeshtar و واستریه- vastrya که در اوستای جدید آمده،فرق لهجه و گویش است.اما دلیلی که باورکردنی باشد، نیاورده‏اند و با زور این سه واژه را بر آن سه واژه چسبانده‏اند و آن‏ها را هم‏معنی انگاشته‏اند.

ناگفته نماند که در ترجمه‏های نسبتا تازه خود،اروپاییان تجدیدنظر کرده،آن‏ها را سه واحد اجتماع،البته عشایری،گرفته،از سه گروه پیشه‏وری«شبه کاست»جدا خوانده‏اند.

دربارهء خوئتودثه باید سخن به درازا داش و ناچار آن را به جستاری جداگانه‏ در آینده وامی‏گذاریم و به این بس می‏کنیم که آن تنها پنج بار در اوستا به کار برده‏ شده.1با همه نیم‏گنگی خود،با نظر به کارآیی آن‏ها،می‏توان گفت که نه‏تنها از درون- همسری نشانی نمی‏یابیم بلکه از پیوند زناشویی نیز گفتگویی در میان نیست.تنها برداشتی که من کرده‏ام این است که آن‏یک‏گونه دلدادگی به دین بهی و ازخودگذشتگی است. (1)-یسن 12-9،ویسپرد 3-3،گاه 4-7.

وندیداد 8-13(دوبار).